

## بررسی تأثیر مالکیت مسکن در استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان در شهر

(مورد: سنندج)

شهریور روستایی<sup>۱</sup>  
سونیا کرمی<sup>۲</sup>

### چکیده

مسکن بزرگ‌ترین سرمایه خانواده‌ها به خصوص در کشورهای جهان سوم را تشکیل می‌دهد. از آنجایی که هر منبع اقتصادی با خود قدرت اجتماعی و سیاسی را به همراه می‌آورد، داشتن مسکن و مالکیت آن نیز مزایای زیادی را به همراه دارد. این مزایا زمانی پررنگ‌تر می‌شود که به گروهی از افراد جامعه تعلق بگیرد که زمانی از آن مزایا بی‌بهره بوده‌اند و این گروه همان زنان هستند که درصد مالکیت مسکن برای آن‌ها نرخ بسیار پایینی را به نسبت مردان نشان می‌دهد. بر این اساس، این تحقیق به بررسی تأثیر مالکیت مسکن بر استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان در شهر می‌پردازد. پژوهش به‌لحاظ ماهیت از نوع توصیفی- تحلیلی و به‌لحاظ هدف از نوع کاربردی می‌باشد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و ۳۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب گشته‌اند. روش آماری مورد استفاده شامل آزمون همبستگی کندال و تحلیل مسیر می‌باشد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر مالکیت مسکن بر نقش‌آفرینی زنان بیش‌تر از تأثیر آن بر استقلال تصمیم‌گیری آنان بوده است، همین‌طور مالکیت مسکن به‌طور غیرمستقیم بر نقش‌آفرینی زنان تأثیر می‌گذارد.

**واژگان کلیدی:** مالکیت مسکن، زنان، استقلال تصمیم‌گیری، نقش‌آفرینی، سنندج.

## مقدمه

مسکن بزرگ‌ترین سرمایه و دارائی طول عمر بسیاری از خانواده‌ها است و مالکیت آن منجر به افزایش کمیت واحدهای مسکونی، تسریع رشد اقتصادی، ایجاد امنیت و هویت خانوادگی، افزایش خوشبختی و رفاه خانوادگی، انباشت ثروت و تحرک عمودی خانوارها، بهبود مشارکت خانوارها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مانند آن می‌شود (عسگری، قادری، ۱۳۸۲: ۵). مسأله مالکیت مسکن زمانی اهمیت خود را به صورت بارز نشان می‌دهد که بخواهیم آن را برای زنان بررسی نماییم، چرا که مسکن یک منبع بالقوه مهم و در واقع یک منبع سرمایه‌ای برای زنان می‌باشد (Yeates, 1999: 2). در واقع، زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و در حالی که دو سوم از ساعات کار جهان را انجام می‌دهند، تنها یک دهم درآمد جهان و یک صدم املاک جهان را دریافت می‌کنند و نزدیک به یک سوم از زنان جهان بی‌خانمان بوده و یا در مسکن ناکافی زندگی می‌کنند (Baruah, 2010: 1). هم‌چنین، گزارشگر سازمان ملل در مورد مسکن مناسب، وضعیت وخیم میلیون‌ها زن در سراسر جهان را تأیید می‌کند و این که تعداد بسیار کمی از زنان مالک زمین هستند (Benschop, 2004: 2). با وجود اهمیت مسکن و مالکیت آن، هنوز هم زنان در اغلب کشورهای جهان به‌خصوص در کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین از حقوق خود بر زمین و مسکن مانند مردان محرومند، این محرومیت از دارایی‌ها عمدتاً بخاطر نابرابری‌های جنسیتی است که در این‌گونه کشورها وجود دارد، به طوری که عمدتاً نابرابری‌های جنسیتی هنوز هم ایجاد وضعیت پایین‌تر زنان در درآمد، قدرت تصمیم‌گیری، دسترسی به آموزش، خدمات و منابع از جمله زمین و مسکن را بیش‌تر می‌کند (ECOSOC, 1997: 1).

مسکن یک مکان لازم برای زندگی است که دو نقش اصلی را ایفا می‌کند: ۱- مصرف به‌عنوان سرپناه ۲- سرمایه‌گذاری (Angelini, et al, 2012: 2). در نتیجه مالکیت مسکن با توجه به قدرتی که به صاحبان آن می‌دهد می‌تواند با خود قدرت تصمیم‌گیری و مشارکت در جامعه را به‌همراه داشته باشد، در واقع، مالکیت زنان تا حد زیادی می‌تواند توانایی آن‌ها را در استقلال تصمیم‌گیری در مورد فرآیندهایی که نقش مهمی در زندگی آن‌ها بازی می‌کند

بالا ببرد (Swaminathan, et al, 2012: 16) و همانگونه که داشتن مالکیت مسکن استقلال اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای زنان فراهم می‌کند واضح است که این محرومیت [از زمین] استقلال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان را که امری حیاتی برای عضویت کامل در جامعه‌ای معین است انکار می‌کند (Baruah, 2007: 5).

لذا عدم دسترسی زنان به حقوق مالکیت و همین‌طور زمین و مسکن مناسب، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی فراوانی را برای زنان به‌دنبال دارد (Morgan, 2010: 28). در این راستا، با توجه به مشارکت کم آن‌ها، بسترسازی حضور چنین حجم بزرگی از جمعیت نیازمند تغییرات ساختاری در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است (محمودیان، ۱۳۸۴: ۱).

شارل فوریه سوسیالیست تخیلی فرانسوی اظهار می‌کند که وضعیت زنان منعکس‌کننده پیشرفت یک جامعه معین می‌باشد (Attwood, 2010: 5). این سخن ارزش زنان و لزوم توجه هرچه بیشتر به آنان را به‌طور گویا بازگو می‌کند. لذا، در بررسی مالکیت، ما بر روی زنان مالک مسکن در شهر سنندج می‌پردازیم که سابقاً مالک مسکن نبوده ولی در چند سال گذشته صاحب مالکیت شده‌اند. لذا با بررسی جامعه شهری سنندج می‌خواهیم به این نکات پی ببریم که آیا زنانی که در چند سال گذشته در شهر سنندج دارای مالکیت مسکن شده‌اند این مالکیت بر روی استقلال تصمیم‌گیری آنان در جامعه شهری موثر بوده است یا خیر؟ آیا مالکیت مسکن برای زنان سنندجی در نقش‌آفرینی آن‌ها در شهر موثر بوده است یا خیر؟ و همین‌طور، آیا استقلال تصمیم‌گیری زنان در نقش‌آفرینی آنان در شهر مؤثر می‌باشد یا خیر؟

### مبانی نظری

در رابطه با مسأله مالکیت مسکن و تأثیر آن بر توان مشارکت زنان نظریات متعددی وجود دارد. اعتقاد بر این است چون مالکیت یک منبع ثروت می‌باشد، لذا زمانی که قدرت اقتصادی وجود داشته باشد، قدرت اجتماعی و سیاسی را نیز با خود به‌همراه می‌آورد و در نتیجه اختلاط این سه قدرت می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی در جامعه را به

همراه داشته باشد. بول<sup>۳</sup> در مقاله‌ای تحت عنوان زنان و حقوق زمین اعتقاد دارد، زمین علاوه بر قدرت اقتصادی و ثروتی که به صاحبان آن اعطا می‌کند، مدت زمان زیادی است که به عنوان کلیدی برای پیشبرد حقوق اجتماعی و اقتصادی و رفاه زنان و موقعیت آن‌ها در جامعه به رسمیت شناخته شده است (Boll, 2013: 5). به عبارتی، مالکیت نه تنها ثروت موردنیاز برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد شهری را فراهم می‌کند، بلکه منبع حقوق مدنی نیز می‌باشد (Midheme, Moulaert, 2013: 1). در توجیه این مطلب، صندوق جمعیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ اعلام کرد از آنجایی که داشتن مالکیت مسکن به مالکان قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی لازم را می‌دهد، زمانی که زن دارای شغل با درآمد بوده و بر منابع اقتصادی کنترل داشته باشد، میزان درآمد و استاندارد زندگی خانوار بهبود می‌یابد و مشارکت سیاسی زنان، فرآیند اولویت در سیاست عمومی را دگرگون کرده و حکومت را به سوی مساوات و برابری بیش‌تر هدایت می‌کند (صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، ۲۰۰۵). حتی تعریفی که برنامه‌ریزان شهری و اقتصاددانان از مالکیت دارند بیش‌تر مربوط به دارایی‌هایی هستند که در جوامع شهری قرار داشته و نه تنها منشأ قدرت اقتصادی می‌باشند بلکه موجب قدرت اجتماعی برای افراد دارنده آن نیز می‌شوند (Huberty, 2011: 1).

بینا آگراوال<sup>۴</sup> از بزرگ‌ترین محققان در حوزه زمین و مسکن اعتقاد دارد، هنوز هم موانع اجتماعی برای مشارکت فردی زنان در نهادهای تصمیم‌گیری عمومی وجود دارد، اما حقوق زمین می‌تواند این مشارکت را تسهیل کند (Agarwal, 1994: 10). از محققان ایرانی، علی عسگری و جعفر قادری کسانی هستند که در رابطه با مالکیت مسکن تحقیقاتی را انجام داده و بیان می‌کنند که داشتن مالکیت مسکن موجب بهبود مشارکت خانوارها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مانند آن می‌شود (عسگری، قادری، ۱۳۸۲: ۱).

اسوامیناتان<sup>۵</sup> نیز عقیده دارد آنچه که در رابطه با مالکیت مسکن و تأثیر آن بر نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های شهری مهم است، این نکته می‌باشد که زنانی که مالک

3- Boll

4- Bina Agarwal

5- Swaminathan

برخی اموال هستند تحرک بیش‌تری دارند و می‌توانند به‌صورت مستقل به فضاهای خارج از خانه خود بروند (Swaminathan, et al, 2012: 14). این تحرک زنان و حضور آن‌ها در خارج از خانه، خود به خود موجبات حضور بیش‌تر و مشارکت آن‌ها را در فضای خارج از خانه بیش‌تر می‌کند (Baruah, 2007: 7).

علاوه بر تأثیری که مالکیت مسکن بر نقش‌آفرینی زنان دارد، تأثیر مالکیت بر استقلال زنان می‌باشد که یکی از مهم‌ترین عرصه‌های استقلال، استقلال در تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد، که در این رابطه یتس<sup>۶</sup> اعتقاد دارد از آنجایی که مالکیت مسکن قدرت اقتصادی لازم را به افراد به خصوص زنان اعطا می‌کند، می‌توان گفت مسکن یک منبع کلیدی اقتصادی است که در مرکز استقلال اقتصادی زنان قرار دارد (Yeates, 1999: 1).

مسأله مهم دیگر در رابطه با موضوع مالکیت مسکن این می‌باشد که مالکیت چگونه برای زنان به‌دست می‌آید، در رابطه با این موضوع نظریات متعددی وجود دارد که علاوه بر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که پایه و اساس هرگونه برابری و عدالت جنسیتی می‌باشد، هرکدام روش‌های مختلفی در جهت دستیابی زنان به مالکیت ابراز کرده‌اند. یکی از معروف‌ترین نظریاتی که در این رابطه وجود دارد نظریه انگلس<sup>۷</sup> می‌باشد، انگلس عقیده دارد، الغای کامل مالکیت خصوصی، اجتماعی شدن کارهای خانه و مراقبت از کودکان و مشارکت کامل زنان در نیروی کار برای کسب مالکیت لازم می‌باشد (Agarwal, 1994: 3). با نفوذ نظریات انگلس، کشورهایی که تحت رویکرد کمونیستی اداره می‌شدند مانند چین و ویتنام، شاهد اصلاحات ارضی رادیکالی و الغای مالکیت خصوصی بودند که یکی از راه‌های بهبود وضعیت زنان بود (Rao, 2011: 3). هم‌چنین، حزب کمونیستی چین قانون اصلاحات زمین را در سال ۱۹۴۷ منتشر کرد که زنان را در گرفتن جداگانه اسناد زمین برای اولین بار مجاز دانست (Agarwal, 1994: 10).

---

6- Yeates

7- Engels

نظریه یا پارادایم امنیت برابر در کشورهایی که تحت رویکرد دولت رفاه هستند، اهداف و عملکردهای قانونی و توزیع مجدد ثروت را جهت رسیدن به امنیت و برابری بین زن و مرد انجام می‌دهد، لذا در این راستا، برابری فرصت‌ها، توزیع درآمد، توزیع مجدد ثروت، حضور عمومی و نمایندگی عمومی گروه‌های مختلف جمعیتی به عنوان مثال مشارکت نیروی کار زنانه و نمایندگی زنان در حوزه‌های سیاسی ارائه شده است (Neyer, 2003: 2).

در کشورهایی که تحت قوانین اسلامی اداره می‌شوند، قانون اسلامی (شریعت) یک عامل مهم تأثیرگذار بر حقوق زمین و سیستم‌های مالکیت در جوامع اسلامی می‌باشد و استراتژی‌های توانمندسازی برای زنان از طریق قانون اسلامی وجود دارد که می‌تواند دسترسی زنان به زمین و اجرای حقوق مالکیت را افزایش دهد (Augustinus, 2005: 6). در این رابطه، سیدقطب معتقد است اسلام به لحاظ جنسیت و حقوق انسانی، برابری کامل بین زن و مرد برقرار کرده است و اگر برتری برای یکی بر دیگری قرار داده تنها مربوط به استعدادهای طبیعی است که بر حقیقت وضع انسانی دو جنس تأثیر نمی‌گذارد (پزشگی، ۱۳۸۷: ۴۷). طبق رویکرد اسلامی، یک زن مسلمان حقوق مستقل، هویت معنوی و اقتصادی و استقلال در اختیار دارد و قوانین اسلامی حمایت‌کننده حقوق مالکیت زنان در زمینه‌های مختلف از قبیل قانون خانواده، قانون مالکیت، قوانین اقتصادی و عمومی می‌باشد (Augustinus, 2005: 10).

رویکرد سوسیالیستی در کشورهای سوسیالیستی اروپایی به کار برده شد، به این صورت که در این کشورها، نفوذ تجزیه و تحلیل انگلس به مشغله ذهنی مشابه با اشتغال زنان به عنوان ابزار اولیه از بین بردن ظلم و ستم جنسیتی منجر شد (Agarwal, 1994: 18). به خاطر همین نفوذ نظریات انگلس، رژیم‌های سوسیالیستی دولت، برابری جنسیتی در اشتغال و زندگی عمومی را افزایش داده و اشتغال زنان، که سطوح بالایی از مشارکت را تولید می‌کند به طور موثر حمایت می‌شود، و این موقعیت زنان در اشتغال که شاید میراث سوسیالیسم دولتی باشد به نظر می‌رسد به آن‌ها دسترسی بهتر به تصمیم‌گیری در بخش‌های دولتی در بسیاری از کشورهای غربی اعطا می‌کند (Pascall, 2008: 5).

رویکرد مارکسیستی عقیده دارد موقعیت طبقه‌ای زن از طریق مرد تعریف می‌شود. تا حدی که زنان، حتی از خانواده‌های مالک خودشان صاحب املاک نیستند و لذا مشخص کردن موقعیت طبقه‌ای آن‌ها مشکل است. بر اساس این رویکرد، زنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی موقعیت طبقاتی شوهرانشان را به دست می‌آورند (Agarwal, 1994: 4).



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

## محدوده مورد مطالعه

شهر سنندج، مرکز استان کردستان با مساحت ۶/۳۶۸۸ هکتار در غرب ایران و در بخش جنوبی استان کردستان قرار دارد. مختصات جغرافیایی سنندج در موقعیت ۱۴ درجه و ۳۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا بین ۱۴۵۰ تا ۱۵۳۸ متر در نقاط مختلف شهر متغیر است. جمعیت این شهر در سرشماری سال ۱۳۹۰ معادل ۳۷۳۹۸۷ نفر بوده است.



شکل (۲) نقشه موقعیت جغرافیایی شهر سنندج

## مواد و روش‌ها

این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع توصیفی-تحلیلی و به لحاظ هدف، از نوع کاربردی می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها، با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای و همین‌طور پیمایش بوده است. جامعه آماری ۸۶۷۶ زن مالک مسکن در ۵ سال اخیر در شهر سنندج



می‌باشند که از این تعداد براساس فرمول کوکران ۳۰۰ نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب گشته‌اند. ابزار مورد استفاده نیز، پرسشنامه بسته پاسخ بوده است. در این پژوهش، برای سنجش اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار محتوایی و برای برآورد پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای به دست آمده برای گویه‌های مربوط به هرکدام از متغیرها، بالاتر از ۰/۷ آمده است که نشان می‌دهد همبستگی درونی گویه‌های مرتبط به هریک از سازه‌ها در حد قابل قبولی بوده است.

جدول (۱) ضریب پایایی مرتبط با سازه‌های مورد بررسی

سازه	تعداد گویه	ضریب پایایی
نقش آفرینی زنان	۷	۰/۸۸۵
استقلال تصمیم‌گیری زنان	۷	۰/۷۴۰

همچنین روش آماری مورد استفاده، شامل آزمون همبستگی کندال تائو C (به‌علت برابر بودن تعداد ردیف‌ها و ستون‌ها از کندال نوع C استفاده شده است) و تحلیل مسیر بوده است.

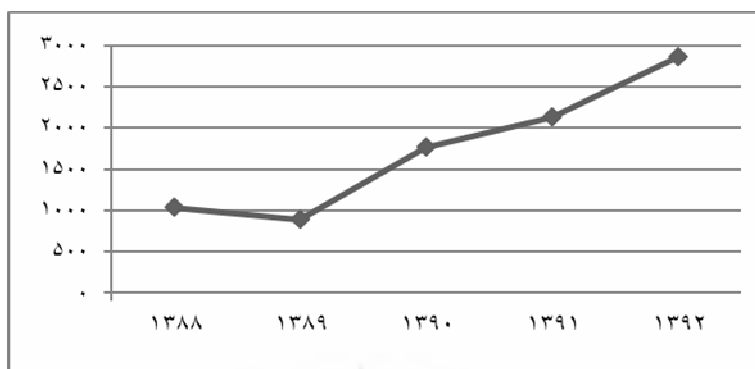
ویژگی‌های پاسخگویان و یافته‌های توصیفی

براساس اطلاعاتی که از سازمان ثبت اسناد و املاک در شهر سنندج به دست آمده، طی دوره پنج ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۲)، تعداد اسناد ثبت شده جمعاً ۴۰۵۶۳ سند می‌باشد که از این تعداد ۸۶۷۶ سند یعنی ۲۱،۳۸٪ اسناد به نام زنان ثبت شده است.

جدول (۲) تعداد کل اسناد ثبت شده در شهر سنندج در طی دوره پنج ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲

سال	کل اسناد ثبت شده	کل اسناد ثبت شده به نام زنان	درصد اسناد ثبت شده به نام زنان
۱۳۸۸	۴۲۶۲	۱۰۳۵	٪۲۴/۲۸
۱۳۸۹	۴۲۴۷	۸۸۸	٪۲۰/۹۰
۱۳۹۰	۸۷۷۶	۱۷۶۶	٪۲۰/۱۲
۱۳۹۱	۱۰۳۹۸	۲۱۳۱	٪۲۰/۴۹
۱۳۹۲	۱۲۸۸۰	۲۸۵۶	٪۲۲/۱۷

مأخذ: اداره کل ثبت اسناد و املاک کردستان، ۱۳۹۳



شکل (۳) نمودار کل اسناد ثبت شده به نام زنان در شهر سنندج طی دوره پنج ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲

نمودار روند صعودی ثبت اسناد مالکیت را در دوره پنج ساله (۱۳۸۸-۱۳۹۲) به نام زنان نشان می‌دهد. به طوری که تعداد اسناد ثبت شده به نام زنان در شهر سنندج از ۱۰۳۵ سند در سال ۱۳۸۸ به ۲۸۵۶ سند در سال ۱۳۹۲ رسیده است.

با توجه به افزایش تعداد زنان مالک در شهر سنندج تأثیر مالکیت را بر نقش‌آفرینی و استقلال تصمیم‌گیری آنان در جوامع شهری با استفاده از پرسش‌های مطرح شده در پرسشنامه بررسی نموده که در زیر به یافته‌های حاصل از این پرسشنامه اشاره می‌کنیم:

جدول (۳) فراوانی و ویژگی‌های پاسخ‌دهندگان

درصد	فراوانی	ویژگی پاسخ‌دهندگان
۸٪	۲۴	کم‌تر از ۲۵ سال
۲۸/۷٪	۸۶	۲۶-۳۵ سال
۳۰/۳٪	۹۱	۳۶-۴۵ سال
۲۴/۷٪	۷۴	۴۶-۶۰ سال
۸۳/۳٪	۲۵	۶۰ سال به بالا
۵۰٪	۱۵۰	دیپلم و زیردیپلم
۱۱/۳٪	۳۴	کاردانی
۳۱/۷٪	۹۵	کارشناسی
۷٪	۲۱	کارشناسی و بالاتر

ادامه جدول (۳)

درصد	فراوانی	ویژگی پاسخ‌دهندگان	
%۳۵/۳	۱۰۶	آپارتمان	نوع ملک
%۵۳/۷	۱۶۱	مسکن تک‌خانواری	
%۶/۳	۱۹	مغازه	
%۴/۷	۱۴	زمین موات	
%۲۸/۳	۸۵	کم‌تر از ۱۰۰ متر	متراژ ملک
%۵۰	۱۵۰	۱۰۰-۲۰۰ متر	
%۱۷	۵۱	۲۰۰-۵۰۰ متر	
%۴/۷	۱۴	بیش از ۵۰۰ متر	
%۲	۶	کم‌تر از ۲۰ میلیون	قیمت ملک
%۷/۷	۲۳	۲۰-۵۰ میلیون	
%۲۶	۷۸	۵۰-۱۰۰ میلیون	
%۶۴/۳	۱۹۳	بیش از ۱۰۰ میلیون	

داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه نشان می‌دهد که از میان ۳۰۰ نفر از زنان مالک مسکن در شهر سنندج که به پرسشنامه پاسخ داده‌اند تعداد بیش‌تری در گروه سنی ۳۶-۴۵ سال قرار دارند، از نظر میزان تحصیلات بیش‌تر پاسخگویان تحصیلات دیپلم و زیردیپلم دارند که ۵۰٪ پاسخگویان را به خود اختصاص داده است، همچنین بیش‌ترین تعداد فراوانی از لحاظ نوع ملک به مسکن تک‌خانواری تعلق داشته و بیش‌تر مسکن در متراژ ۱۰۰-۲۰۰ متری می‌باشند، علاوه بر این، بیش‌ترین گروه قیمتی مسکن به گروه بالای ۱۰۰ میلیون تومان تعلق دارد.

### یافته‌ها و بحث

رابطه همبستگی بین مالکیت و استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان در شهر: در پژوهش حاضر به‌جهت ترتیبی بودن مقیاس‌های به‌کار رفته در سنجش متغیرها از آزمون کندال برای سنجش همبستگی بین متغیر مستقل و متغیرهای وابسته استفاده شده است و

چون تعداد سطر و ستون‌های داده‌های به‌دست آمده از پرسشنامه با هم برابر نبوده لذا از نوع C این آزمون استفاده شده است. چون هر متغیر وابسته از ۷ گویه تشکیل شده است لذا ابتدا از گویه‌ها میانگین وزنی هندسی گرفته و سپس رابطه آن‌ها با متغیر مالکیت در نرم‌افزار SPSS و با آزمون کندال بررسی شد. نتایج حاصل از آزمون کندال نشان می‌دهد که بین مالکیت مسکن و استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش‌آفرینی آنان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی کندال تائو C بین مالکیت مسکن و استقلال تصمیم‌گیری زنان

سطح معناداری	مقدار t	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	۲۲/۱۴۲	۰/۰۲۷	۰/۶۰۸	آزمون کندال تائو C
			۳۰۰	نمونه‌های معتبر

براساس تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به مالکیت و استقلال تصمیم‌گیری زنان، فرض ارتباط بین دو متغیر مالکیت و استقلال تصمیم‌گیری با سطح معناداری ۰/۰۰۰۰ و سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، دارای ضریب همبستگی ۰/۶۰۸ می‌باشد. پس می‌توان گفت بین مالکیت و استقلال تصمیم‌گیری زنان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد، و با افزایش مالکیت، استقلال تصمیم‌گیری زنان افزایش می‌یابد و بالعکس.

جدول (۵) نتایج آزمون همبستگی کندال تائو C بین مالکیت مسکن و نقش‌آفرینی زنان

سطح معناداری	مقدار t	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	
۰/۰۰۰	۴۷/۱۱۶	۰/۰۱۶	۰/۷۶۷	آزمون کندال تائو C
			۳۰۰	نمونه‌های معتبر

همان‌گونه که از تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به مالکیت و نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های شهری پیداست، فرض ارتباط بین این دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، دارای ضریب همبستگی ۰/۷۶۷ می‌باشد، که همبستگی بالایی را بین این دو متغیر نشان می‌دهد. پس بین مالکیت و نقش‌آفرینی زنان در

عرصه‌های شهری رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد، و با افزایش مالکیت، نقش آفرینی زنان نیز افزایش می‌یابد و بالعکس.

جدول (۶) نتایج آزمون همبستگی کندال تاو c بین استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش آفرینی آنان

سطح معناداری	مقدار t	خطای استاندارد	ضریب همبستگی	آزمون کندال تاو c
۰/۰۰۰	۱۳/۴۲۷	۰/۰۳۴	۰/۴۵۸	آزمون کندال تاو c
			۳۰۰	نمونه‌های معتبر

باتوجه به نتایج به‌دست آمده از آزمون کندال در نرم‌افزار SPSS ارتباط بین دو متغیر استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش آفرینی آن‌ها با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد، دارای ضریب همبستگی ۰/۴۵۸ می‌باشد. پس آزمون نشان می‌دهد بین این دو متغیر رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد و با افزایش هر کدام از متغیرها دیگری نیز افزایش می‌یابد.

### تحلیل مسیر

جهت سنجش میزان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل (مالکیت مسکن) بر متغیرهای وابسته (استقلال تصمیم‌گیری و نقش آفرینی زنان) از تحلیل مسیر استفاده شده است. تکنیک تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه و براساس فرضیات ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته استوار است. این روش بر استفاده از نمودار تصویری که به دیاگرام مسیر معروف است تأکید خاص دارد. این دیاگرام به‌منظور بیان تصویری روابط بین مجموعه متغیرهای مورد نظر در تحلیل مسیر به‌کار می‌رود. در این روش روابط بین متغیرها و تأثیرات آن‌ها باید توسط فلش‌های جهت‌دار مشخص شوند.

عمده‌ترین مفروضات در تحلیل مسیر:

۱- روابط بین متغیرهای موجود در مدل خطی، جمع‌پذیر و علی هستند و روابط انحنایی و تعاملی ملحوظ نمی‌گردند.

۲- متغیرهای باقیمانده با همدیگر و با متغیرهایی که قبل از آن در مدل قرار گرفته‌اند همبسته نیستند.

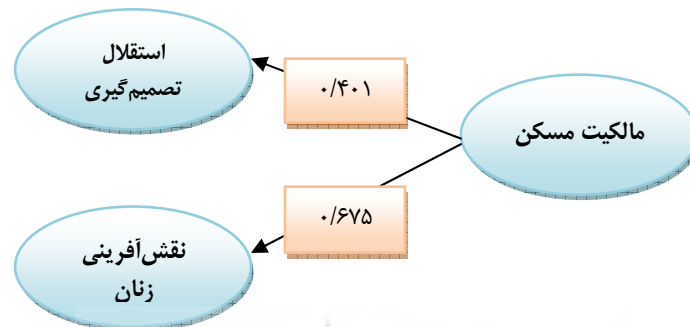
۳- جریان علیت در دستگاه یک‌طرفه می‌باشد و علیت متقابل بین متغیرها ملحوظ نمی‌شود (کالنتری، ۱۳۹۰: ۲۲۶).

در این روش هدف سنجش تاثیر مالکیت مسکن بر دو متغیر استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش آفرینی آنان در عرصه‌های شهری می‌باشد. در مرحله اول مالکیت زنان به عنوان متغیر مستقل و دو متغیر دیگر به عنوان متغیرهای وابسته در نظر گرفته می‌شود. در واقع، متغیر استقلال تصمیم‌گیری از ترکیب گویه‌های، استقلال در امور اقتصادی، استقلال عمل، قدرت عمل، استقلال تصمیم‌گیری، کاهش وابستگی به اطرافیان، دنبال کردن اهداف و رسیدن به اهداف و متغیر نقش آفرینی از ترکیب گویه‌های، نقش آفرینی، بخشش اموال به مستمندان، شرکت در ایجاد کاربری‌های عمومی شهر، مشارکت در امور شهری، افزایش فعالیت‌های اجتماعی، قدرت اجرایی و ابتکار عمل تشکیل شده است.

جدول (۷) ضرایب تأثیر مدل رگرسیونی تبیین کننده استقلال تصمیم‌گیری و نقش آفرینی مرتبط با مالکیت مسکن

متغیرها	ضریب تأثیر غیراستاندارد		ضریب تأثیر استاندارد		مقدار t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta			
۱ متغیر ثابت	۰/۲۷۶	۰/۰۳۷			۷/۴۷۵	۰/۰۰۰
استقلال تصمیم‌گیری	۰/۳۳۹	۰/۰۱۴	۰/۴۰۱		۲۴/۷۶۶	۰/۰۰۰
نقش آفرینی	۰/۴۵۸	۰/۰۱۲	۰/۶۷۵		۴۱/۶۴۵	۰/۰۰۰

براساس جدول خروجی شماره ۷ مالکیت مسکن با بتای ۰/۶۷۵ بیش‌ترین تأثیر را در متغیر نقش آفرینی زنان دارد، همچنین بتای استقلال تصمیم‌گیری زنان در جدول ذکر شده برابر با ۰/۴۰۱ است. براساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده، نمودار تأثیر مالکیت مسکن بر متغیرهای استقلال تصمیم‌گیری و نقش آفرینی زنان به صورت زیر ترسیم می‌گردد:



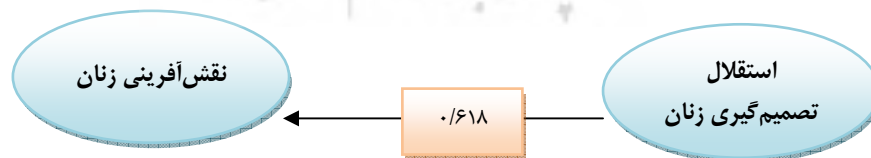
شکل (۴) نمودار ترسیمی برای متغیر مستقل مالکیت مسکن

در مرحله دوم استقلال تصمیم‌گیری زنان را به صورت متغیر مستقل و متغیر نقش‌آفرینی زنان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شوند. جدول (۸) ضرایب بتا محاسبه شده را نشان می‌دهد.

جدول (۸) ضرایب تأثیر مدل رگرسیونی تبیین‌کننده نقش‌آفرینی مرتبط با استقلال تصمیم‌گیری

متغیرها	ضریب تأثیر غیراستاندارد		ضریب تأثیر استاندارد	t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta		
۱ متغیر ثابت	۱/۶۶۶	۰/۱۲۳		۱۳/۵۹۴	۰/۰۰۰
نقش‌آفرینی	۰/۵۲۵	۰/۰۳۹	۰/۶۱۸	۱۳/۵۵۳	۰/۰۰۰

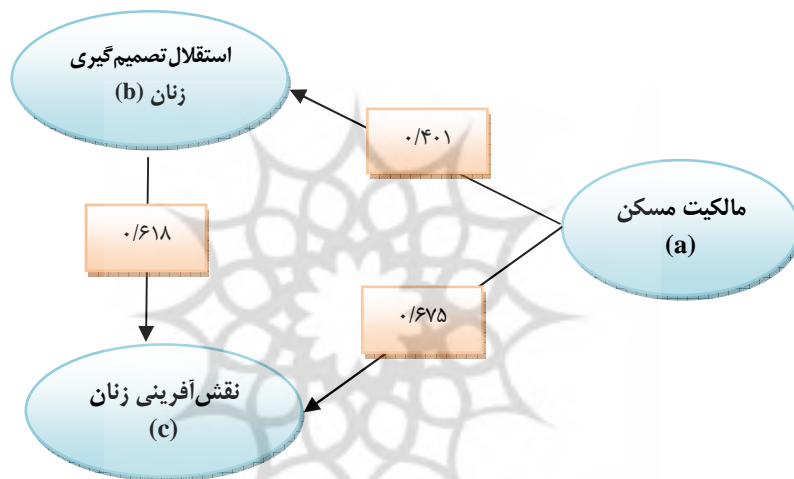
براساس جدول خروجی شماره ۸ عامل استقلال تصمیم‌گیری زنان با بتای ۰/۶۱۸ در متغیر نقش‌آفرینی زنان تأثیر دارد. براساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده، نمودار تأثیر استقلال تصمیم‌گیری بر نقش‌آفرینی زنان، به صورت زیر ترسیم می‌گردد:



شکل (۵) نمودار ترسیمی برای متغیر مستقل استقلال تصمیم‌گیری زنان

## جمع‌بندی نتایج تحلیل مسیر در مراحل مختلف

پس از اینکه مجموع نتایج تحلیل مسیر در بالا که در قالب شکل، جدول و تفسیر نشان داده شد، نمودار نهایی تحلیل مسیر با ضرایب بتا را نمایش می‌دهیم از طریق این نمودار می‌توان اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل را بر متغیرهای وابسته به‌دست آورد.



شکل (۶) نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب بتا

حال اثرات مستقیم و غیرمستقیم مالکیت مسکن را بر روی متغیرهای استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی در جدول (۴) نشان می‌دهیم.

جدول (۹) آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیر مالکیت بر استقلال تصمیم‌گیری و نقش‌آفرینی زنان

متغیرها	میزان اثر براساس ضرایب بتا	مسیر	نوع اثر
تصمیم‌گیری زنان استقلال	0.401	a → b	اثر مستقیم
	-	-	اثر غیرمستقیم
	-	-	کل اثرات غیرمستقیم
	0.401	-	مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم



ادامه جدول (۹)

متغیرها	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا	مسیر	نوع اثر
نقش‌آفرینی زنان	۰/۶۷۵	a → c	اثر مستقیم
	۰/۴۰۱ × ۰/۶۱۸ = ۰/۲۴۸	c → a → b	اثر غیرمستقیم
	۰/۲۴۸		کل اثرات غیرمستقیم
	۰/۹۲۳		مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم

## نتیجه‌گیری

با توجه به جدول (۹) متغیر مالکیت مسکن توانسته است به صورت مستقیم بر استقلال تصمیم‌گیری زنان و نقش‌آفرینی آنان تأثیر بگذارد. میزان تأثیر مستقیم مالکیت مسکن بر استقلال تصمیم‌گیری زنان برابر با ۰/۴۰۱ بوده است که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر مالکیت مسکن، استقلال تصمیم‌گیری زنان به میزان ۰/۴۰۱ واحد تغییر خواهد یافت، هم‌چنین میزان تأثیر مستقیم مالکیت مسکن بر نقش‌آفرینی زنان برابر با ۰/۶۷۵ بوده که نشان می‌دهد به ازای یک واحد تغییر در متغیر مالکیت مسکن، نقش‌آفرینی زنان به میزان ۰/۶۷۵ واحد تغییر خواهد یافت. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون، متغیر مالکیت مسکن هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم و از طریق متغیر استقلال تصمیم‌گیری بر متغیر نقش‌آفرینی زنان تأثیر گذاشته است. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مالکیت مسکن بر متغیر نقش‌آفرینی زنان به ترتیب برابر با ۰/۶۷۵ و ۰/۲۴۸ است. با توجه به جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت متغیر مالکیت مسکن با بتای ۰/۶۷۵ تأثیر بیش‌تری بر متغیر بر نقش‌آفرینی دارد که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تأثیر می‌گذارد و مجموع این اثرات برابر با ۰/۹۲۳ می‌باشد.

## منابع

- اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کردستان، بخش بایگانی (۱۳۹۳).
- پزشکی، محمد (۱۳۸۷)، «صورت‌بندی مطالعات زنان در جهان اسلام»، تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سازمان ملل متحد، صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۵).
- عسگری، علی و جعفر قادری (۱۳۸۲)، «تعیین عوامل مؤثر بر مالکیت مسکن در مناطق شهری ایران»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، جلد پانزدهم، شماره ۱ و ۲، ۱۲۰-۹۷.
- کلاتتری، خلیل (۱۳۹۰)، «پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی»، نشر فرهنگ صبا.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۴)، «ماهیت نامتجانس بهبود موقعیت زنان در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۲، ۱۳۶-۱۱۵.
- Agarwal, Bina (1994), "Gender and Command Over Property: A Critical Gap in Economic Analysis and Policy in South Asia", *World Development*, Vol. 22, No.10, PP. 1455-1478.
- Angelini, Viola, Laferrere, Anne, Weber, Guglielmo, Home-ownership in Europe: How did it happen? *Advances in Life Course Research*, 18, (2012), PP. 83-90.
- Attwood, Lynne (2010) "*Gender and Housing in Soviet Russia: Private Life in a Public Space*", Manchester University Press, PP. 288.
- Augustinus, Clarissa (2005), "*Islam, Land & Property Research Series*", United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT).
- Baruah, Bipasha (2007), "Gendered Realities: Exploring Property Ownership and Tenancy Relationships in Urban India", *World Development*, Vol. 35, No. 12, PP. 2096-2109.

- Baruah, Bipasha (2010), "Women and Landed Property in Urban India", Working Paper, No. 56.
- Benschop, Marjolein (2004), "Women's Rights to Land and Property," Legal Officer, Land & Tenure Section, UN-HABITAT.
- Boll, Stiftung Heinrich (2013), "PERSPECTIVES, Woman and Land Rights: Questions of access, ownership and control", Published by the Heinrich Boll Foundation Southern Africa.
- Huberty, Mark (2011), "Testing the ownership society: Ownership and voting in Britain", *Electoral Studies*, No. 30, PP. 784–794.
- Midheme, Emmanuel, Moulart, Frank (2013), "Pushing back the frontiers of property: Community land trusts and low-income housing in urban Kenya", *Land Use Policy*, No. 35, PP. 73– 84.
- Morgan, Richard, (2010), "Thematic Paper on MDG 3 Promote Gender Equality and Empower Women".
- Neyer, Gerda (2003), "Gender and Generations Dimensions in Welfare-State Policies", MPIDR WORKING PAPER WP, 022.
- Pascall, Gillian (2008), "*Gender and European Welfare States*", Casa Verde Publishing: Hong Kong.
- Rao, Nitya, (2011), "*Women's Access to Land: An Asian Perspective*", University of East Anglia United Kingdom.
- Swaminathan, Hema, Lahoti, Rahul, Suchitra J.Y, Women's Property, (2012), "Mobility, and Decisionmaking, Evidence from Rural Karnataka: India", IFPRI Discussion Paper 01188,
- United Nations Economic and Social Council (ECOSOC) (1997), "What is gender mainstreaming".
- Yeates, Nicola, Gender (1999), "Familism and Housing: Matrimonial property Rights in Ireland," *Womens' Studies International Forum*, Vol. 22, No. 6, PP. 607–61.